

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به **GOOGLE PLAY** و **APP STORE** نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



موفقیت من بانک من



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز صفحه ۲

جنايات بی پایان طالبان علیه مسافران

طالبان بار دیگر با توقف بس های مسافربری ده ها مسافر را ربودند و دست کم ۱۲ نفر را کشتند. افرادی که کشته شده اند می خواستند از کابل به خانه های شان در تخار و بدخشان برگردند. طالبان اما اعلام کرده اند که افراد گرفتار شده عضو نیروهای امنیتی افغانستان است و آنانی که کشته شده اند می خواستند فرار کنند. رخداد دیروز یک بار دیگر بیانگر عزم محکم طالبان برای کشتار و خشونت بود. آن چه دیروز در قندوز اتفاق افتاد...

خبرنگار ناراضی صفحه ۳

ما همه کر ختیم

از غمی که در زابل بر جان نیمه جان افغانستان حواله شد، دیری نمی گذرد. هنوز زابل بوی خون تبسم و همراشان را دارد. هنوز زنجیر اسارت بر پاهای شاهراه در زابل گره شده باقی است. تکرار اسارت و گلوبردن و به زنجیر کشیدن شاهراه زندگی، این بار در قندوز اتفاق افتاده. مثل زابل، بازهم طالبان در مسیر مسافرین بی گناه می ایستند، متوقف شان می کنند. ۲۲۰ نفر را با خود می برند، ۲۰ نفر را سلاخی می کنند. اما انگار هیچ اتفاقی نیفتاده. مردم مثل همیشه بی تفاوت، به خبرهای داغ رادیوها گوش می دهند و تصاویر خون آلود بغلان و قندوز را تماشا می کنند. اما نه دلی آخ می کند و نه چشمی...

طالبان ۱۲ مسافر مسیر کابل-قندوز را به شهادت رساندند



قندوز

کابل

مزار شریف

هرات

افغانستان

تاجیکستان

ترکمنستان

پاکستان

صفحه ۲

صفحه ۵

حادثه قندوز و ضعف تحرك دولت

حوالی سه یا چهار بامداد روز گذشته، هنگامی که بیش از ۱۸۵ مسافر از ولایت های شمالی تخار، قندوز و بدخشان از کابل به سوی خانه های شان می رفتند، در منطقه ی شینه تپه ربوده می شوند. ساعاتی بعد از رسانه بی شدن این ربایش، پولیس قندوز گفت که از مجموع افرادی که ربوده شده بودند، ۱۵۰ تن آن ها آزاد شده، ۱۸ تن در قید طالبان مانده و ۱۰ تن دیگر کشته شده اند. گروه طالبان مسئولیت این حادثه را به عهده گرفته است...

صفحه ۵

سقوط هلمند «تبلیغات دشمن است»؟

در حالی که صدای شلیک هاوان های ارتش افغانستان برای غلبه بر جنگ جویان طالب چندین روز است که خواب را از چشمان ساکنان یک شهر محاصره شده در جنوب افغانستان ربوده است، یک عضو شورای ولایتی هلمند در گفت و گو با «گندهارا» (رادیو اروپای آزاد)، از سقوط این شهر به دست طالبان هشدار داده و می گوید ممکن است این شهر ۱۵۰ هزار نفری به زودی به دست طالبان بیافتد. کریم اتل، رییس شورای ولایت هلمند به تاریخ...

صفحه ۴

ایران و هند بازی بزرگ را تغییر می دهند

پیمان تاریخی اخیر میان هند و ایران در اعمار بندر چابهار در ایران، پتانسیل تغییر در پویایی «بازی بزرگ» برای همیشه را دارد. این پیمان آغازگر راهرو حمل و نقل و تجارتی بی خواهد بود که هند را از طریق ایران به افغانستان وصل می کند و به طور دراماتیک بازیگران جدیدی را در بازی اضافه می کند، بعد قانع کننده ی اقتصادی می سازد و پتانسیل یک پارادایم جدید امنیتی برای آوردن تغییرات جیوپولیتیکی در منطقه را دار است...

صفحه ۳

چرا ملارسلول از ایالات متحده و افغانستان کمک مالی دریافت می کند؟

آهن پاره های باقی مانده از تاکسی رهبر طالبان ملا اختر منصور در جنوب پاکستان، تازه شروع به سرد شدن کرده بود که «وال استریت جورنال» روز یکشنبه در مقاله یی افشا کرد سازمان های اطلاعاتی افغانستان و ایالات متحده، حمایت های مالی و نظامی برای یکی از جناح های «جدایی طلب» طالبان در جنوب افغانستان، به رهبری یکی از فرماندهان کهنه کار شورشیان به نام ملا محمد رسول...

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com



یک طرفه	دو طرفه
کابل - مسکو 300\$	590\$
کابل - دهلی 135\$	266\$
کابل - هرات 6000AF	12000AF



چهارشنبه
۱۲ جوزا
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۰۷۹



یادداشت روز

جنايات بی‌پایان طالبان علیه مسافران

رحمت‌الله ارشاد

طالبان بار دیگر با توقف بس‌های مسافربری ده‌ها مسافر را ربودند و دست‌کم ۱۲ نفر را کشتند. افرادی که کشته شده‌اند می‌خواستند از کابل به خانه‌های‌شان در تخار و بدخشان برگردند. طالبان اما اعلام کرده‌اند که افراد گرفتار شده عضو نیروهای امنیتی افغانستان است و آنانی که کشته شده‌اند می‌خواستند فرار کنند.
رخداد دپروز یک‌بار دیگر بیانگر عزم محکم طالبان برای کشتار و خشونت بود. آن‌چه دپروز در قندوز اتفاق افتاد، ادامه‌ی جنایاتی است که طالبان و بازیگران جنگ افغانستان بر انسان‌ها در این زمین تحمیل کرده است. مصداق‌های این جنایت‌های پیوسته تروریستی طالبان قریه‌به‌قریه دفن است و ماه‌به‌ماه آرشیف می‌شود. تکرار و پیوستگی انتحارها، کشتارها و حملات طالبان بیانگر جنگ بی‌پایان این گروه با حکومت و مردم افغانستان است. از آغاز برگشت طالبان به میدان‌های جنگ و دست زدن به کشتار، هیچ نشانه‌یی از تغییر در نگاه طالبان وجود ندارد و فرقی نمی‌کند که چه کسی رهبر این گروه شود، طالبان مدام و همیشه در جنگ و باجنگ است. این گروه جنگ را در کشتار مسافرین، مقامات دولتی، انتحار در کابل، حمله‌یی در زابل، بیشرفتی در هلمند و پس‌رفتی در بغلان دامن می‌زند و محصول آن را از قریه‌به‌قریه، ولایت‌به‌ولایت و از پشتون و تاجیک و هزاره و ازبیک، در میان دولت و مردم؛ بر می‌دارند.

این طرف‌اما، پاسخ ما به ترورها و جنایاتی که این گروه انجام داده است، مرزکشدن‌ها و توجیحات بی‌جایی است که هیچ تأثیری بر حفاظت از جان انسان‌ها مطابق دستور قانون اساسی ندارد. این توجیحات نابه‌جا و خودفریبی‌های مصلحتی به طالبانی که سربازشان از افغانستان و با تذکره‌ی افغانستان است، مجال داده‌اند که انسان بدرند و قدرت بگیرند. چند روز از مراسم بیعت طالبان بدخشان به هیت‌الله نگذشت که جوانان بدخشان توسط بخش دیگری از این گروه در قندوز کشته شدند. واقعیت اما این است که طالبان در بدخشان وجود دارند و در قندوز خانه و سنگر و سرباز دارند. بخشی از این سربازان افغانی است و در جنگ با افغانستان. حتا که رهبران‌شان در پاکستان باشد و معاش و تفنگ آن از پاکستان فراهم شود. ما اما با این واقعیت هنوز کنار نیامده‌ایم و آگاهانه از این حقیقت فرار می‌کنیم. فرار از واقعیت و حقیقتی که انکارناپذیر است، فقط و فقط چشم‌پوشی از آن و گریز از مسئولیت است. مسئولتی که حکومت باید اجرا کند و از جان شهروندان افغانستان حفاظت کند. بی‌تفاوتی در برابر مرگ شهروندان و بی‌پاسخ گذاشتن جنایات تروریستان و عفو قاتلان، منجر به قدرتمندتر شدن گروه طالبان شده و بر نفرت از مقامات حکومت کمک کرده است. از جانب دیگر این بی‌تفاوتی، کشتار انسان‌ها در افغانستان را به‌مثابه‌ی یک امر پذیرفته شده و عادی در آورده که نه حکومت اراده و الزامی برای پایان بخشیدن به آن اعمال می‌کند، نه مردم مبارزه‌یی را سامان می‌دهند. مردم این حق را بر حکومت دارد و حکومت با گریز از واقعیت‌ها و طفره رفتن از مسئولیت‌های قانونی پایان این روزهای بد را با امید تحقق صلح دائمی سر می‌کند.

با این وجود، ما را گریزی نیست که بپذیریم حقیقت طالبان و رویکرد آنان در کشتارهای بی‌درپی در گوشه و کنار افغانستان نهفته است که هرازچندگاهی در برابر چشمان‌مان نمایان می‌شود. این بازی بی‌پایان با حمایت سیاسی، مالی و نظامی سازمان‌های استخباراتی و جهان‌بینی تنگ شریعت اسلامی طالبانی از پاکستان تا افغانستان جریان دارد و نشانه‌یی از تغییر در آن دیده نمی‌شود. جهالت در جنوب، پول درشمال، امکانات درچترال و یا شریعت در دیوبندی متحد شده‌اند که بجنگند و قربانی بگیرند. رویارویی با این واقعیت، نیازمند پذیرش این حقایق است که: طالبان از درون شهروندان ما سربازگیری می‌کنند، بمب‌شان را همیشه علیه مردم ما منفجر می‌کنند، به صلحی باور ندارد و دانایی برای مذاکره و تفاهم را بر نمی‌تابند.

پذیرش این واقعیت که با طالبان باید جنگید، ما را کمک می‌کند که به گزینه‌های واقعی‌تر و عملی‌تر برای محدود کردن دامنه‌ی جنگ و حفاظت از جان شهروندان بیاندیشیم و از اشتباهات و کاستی‌های چندسال گذشته عبور کنیم. این واقعیت به ما گزینه‌یی جز حمله بر تروریستان باقی نمی‌گذارد و ما را بار دیگر با این واقعیت مواجه می‌کند که طالبان تروریست است و تروریست دشمن ماست. دشمنی که قدرتش را در کشتار رقم می‌زند و دیدگاهش را در گروگان‌گیری‌ها و سرزدن انسان‌ها تبارز می‌دهد.

طالبان ۱۲ مسافر مسیر کابل-قندوز را به شهادت رساندند

از موترهای ملکی سفر می‌کردند، شناسایی و دستگیر کرده‌اند.

ذبیح‌الله مجاهد که خود را سخن‌گوی گروه طالبان معرفی می‌کند، در صفحه‌ی توئیتر خود نوشته است که ۶ تن از این افراد که سعی داشتند فرار کنند کشته شده و دیگران‌شان به جاهای امن انتقال داده شده‌اند.

او گفته است این‌ها همه عسکر هستند و با اسناد و شواهد دستگیر شده‌اند.

طالبان درحالی این ادعا را مطرح می‌کنند که سخن‌گوی والی قندوز گفته است مسافران غیرنظامی هستند.

در واکنش به این گروگان‌گیری داکتر عبدالله‌عبدالله، رییس اجراییه‌ی حکومت وحدت ملی در صفحه‌ی رسمی فیسبوکش نوشته است که دشمنان اسلام و انسانیت با گروگان‌گیری این مسافران بی‌گناه بار دیگر برای مردم افغانستان ثابت ساختند که این وحشی‌صفتان پابند هیچ معیار اسلامی و انسانی نیستند.

او نوشته است: «با توکل به خداوند توانا یقین کامل داریم که نیروهای قهرمان امنیتی افغانستان به‌زودی گروگانان را آزاد و انتقام خون هم‌وطنان بی‌گناه ما را خواهند گرفت.»

این افراد درحالی در ولایت قندوز ربوده می‌شوند که حضور گسترده‌ی طالبان در این ولایت تیتز درشت رسانه‌ها بوده است. سال گذشته طالبان مسلح توانستند سه روز کنترل شهر قندوز را در اختیار بگیرند.

شمار بی‌جاشدگان داخلی در کشور به ۱.۲ میلیون نفر رسیده است

او افزوده که بی‌جاشدگان داخلی برای زنده ماندن مبارزه می‌کنند و هیچ امیدی برای پایان این وضعیت وجود ندارد.

به گزارش عفو بین‌الملل، این بی‌جاشدگان برای تهیه امکانات اولیه زندگی همانند نان و آب نیز با مشکل مواجه هستند.

این سازمان طرح تهیه شده در سال ۲۰۱۴ توسط دولت را نیز یک وعده‌ی میان‌خالی برای پناهندگان خوانده و نوشته که این راهکار به دلیل فساد اداری و عدم توجه لازم جامعه‌ی جهانی به افغانستان تطبیق نشده و سودی هم برای بی‌جاشدگان داخلی نداشته است.

سازمان عفو بین‌الملل از دولت افغانستان و جامعه‌ی بین‌المللی خواسته که به نیازمندی‌های فوری آوارگان توجه، کرده و دولت به تطبیق راهکارش همت گمارد. این سازمان گفته که نهادهای بین‌المللی کمک بیشتری برای تامین تخصص و منابع مالی برای تطبیق راهکار دولت اختصاص دهند.

اما وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در واکنش به این گزارش گفته است که با آمار ارائه شده توسط سازمان عفو بین‌الملل موافق نیست.

حمله‌ی کوچی‌های مسلح بر ده‌نشینان در ولسوالی ناهور ولایت غزنی

منجر به آتش‌زدن خانه‌های مسکونی شده است.
در گزارش سال ۱۳۹۰ کمیسیون مستقل حقوق بشر در مورد جزئیات منازعه‌ی کوچی‌ها با مردم در ولسوالی ناهور آمده است که در جریان حمله‌ی کوچی‌ها و برخورد مسلحانه، در ولسوالی ناهور ولایت غزنی در سال ۱۳۹۰، ۳۶ قریه به‌شدت آسیب دیده، به‌تعداد ۷۸۲ فامیل متواری و مجبور به کوچ اجباری شده، اموال، اجناس و لوازم زندگی این خانواده‌ها از قبیل فرش، ظرف، مواد غذایی، مواشی، اساسیه منزل، لباس و در برخی موارد موتر و موتورسایکل و دکان‌های این خانواده‌ها به تاراج رفته و غارت شده‌اند. به‌تعداد ۲۰ در بند حویلی که شامل ۷۲ باب اتاق رهایشی می‌شود، به آتش کشیده شده است. ۷ باب مکتب و یک باب کلینیک تعطیل گردیده که در نتیجه ۲۰۳۰ نفر دانش‌آموز برای مدت مدیدی از حق آموزش و تعداد زیادی از مردم از حق دسترسی به خدمات صحی محروم گردیده‌اند.

اطلاعات روز: طالبان مسلح روز گذشته ۱۲ تن از مجموع ۱۸۵ مسافر ربوده شده مسیر شاهراه کابل-قندوز را به شهادت رساندند.

حوالی ساعت سه-چهار بامداد روز گذشته افراد وابسته به گروه طالبان در منطقه‌ی شینه‌تپه انکورباغ در ولایت قندوز ۱۸۵ سرنشین چهار موتر مسافربری مسیر کابل-قندوز را به گيروگان گرفته و به سمت ولسوالی چهاردره بردند. پس از آن ۱۲ مسافر را به شهادت رسانده و ۱۵۰ نفر دیگر را رها کردند.

سخن‌گوی والی قندوز، محمود دانش به رسانه‌ها گفته است که اجساد چهار نفر آن‌ها به شهر قندوز، مرکز ولایت قندوز، منتقل شده است.

چهاردره یکی از ولسوالی‌هایی است که از کنترل دولت خارج و در کنترل مخالفان مسلح قرار دارد. هرچند آمار مسافران ربوده شده ضدونقیض گزارش می‌شود، با این‌حال معصوم هاشمی، آمر امنیت فرمانده پولیس قندوز گفته است که حدود ۱۷۵ تن از مسافران چهار موتر ربوده شده که در نتیجه‌ی درگیری میان نیروهای امنیتی با طالبان تنها ۱۸ مسافر در چنگ طالبان مانده و دیگران آزاد شده‌اند.

فرمانده پولیس قندوز گفته است که ۱۰ تن از این مسافران حین انتقال جان باخته‌اند.

این مسافران از ولایت‌های بدخشان، تخار و قندوز بودند که از کابل به طرف ولایت‌های‌شان می‌رفتند. طالبان مسئولیت این کار را به عهده گرفته و ادعا کرده که ۲۶ تن از کارمندان دولتی را که با استفاده

اطلاعات روز: تازه‌ترین گزارش سازمان عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که شماری بی‌جاشدگان داخلی افغانستان که به دلیل نامنی و درگیری‌ها از خانه‌ها و روستاهای شان بی‌جا شده‌اند به ۱.۲ میلیون نفر رسیده است.

گزارش این نهاد که تحت نام «فرزندام در این زمستان خواهند مرد» روز سه‌شنبه، ۱۱ جوزا در کابل نشر شد نشان می‌دهد که در سه سال گذشته شمار بی‌جاشدگان داخلی در حدود سه برابر افزایش یافته‌اند. این نهاد شمار آوارگان داخلی را در سال ۲۰۱۳ حدود ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده است و اکنون این تعداد به ۱،۲ میلیون نفر رسیده است.

در گزارش این سازمان آمده که بی‌جاشدگان داخلی هنوز به مسکن، غذا، آب، خدمات صحی، فرصت‌های کاری و آموزشی دسترسی ندارند.

چمپا پاتیل، رییس بخش آسیای جنوبی سازمان عفو بین‌الملل در یک نشست خبری در کابل گفت که به نظر می‌رسد توجه جامعه‌ی جهانی به افغانستان کمتر شده است و عدم توجه لازم جامعه‌ی جهانی نسبت به افغانستان باعث شده تا کسانی که در درگیری‌های این کشور گیر مانده‌اند، وضعیت رفت‌باری داشته باشند.

در ۱۵ سال گذشته

۶۷۹ مورد خشونت علیه

خبرنگاران ثبت شده‌است

اطلاعات روز: دفتر نی یا حمایت‌کننده‌ی رسانه‌ها آزاد افغانستان اعلام کرده است، کمیته‌ی ویژه برای بررسی قضایای خشونت علیه خبرنگاران در ۱۵ سال گشته، ۶۷۹ مورد خشونت علیه خبرنگاران را ثبت کرده است.

در ماه حوت سال گذشته رییس‌جمهورغنی طی فرمانی کمیته‌یی را برای بررسی قضایای خشونت علیه خبرنگاران با شرکت نمایندگان از دادستانی کل، ریاست امنیت ملی، وزارت‌های اطلاعات و فرهنگ و داخله و نماینده‌ی فدراسیون نهادهای ژورنالیستان و رسانه‌های افغانستان آغاز به کار کرد.

این کمیته اسناد مربوط به ۴۲۷ مورد خشونت علیه خبرنگاران را که قابل پیگرد قانونی تشخیص شده، غرض‌پیگیری به نهادهای کشفی، عدلی و قضایی فرستاده است.
موجب خلوتگر، رییس اجرایی نی و عضو این کمیته روز گذشته در نشست خبری گفته است که این پرونده‌ها در دو ماه اخیر، از سوی این کمیته بررسی و به‌نهادهای ذیربط فرستاده شد.

در خبرنامه‌ی نی آمده است بر اساس یافته‌های کمیته، از جمله ۴۲۷ قضیه « ۴۰۱ قضیه را باید وزارت داخله و ریاست عمومی امنیت ملی پیگیری کرده و اسناد و مدارک لازم را برای تکمیل دوسیه‌های متهمین، گردآوری نمایند. ۷ قضیه‌ی دیگر که دوسیه‌های آن قبلاً تکمیل شده، باید از سوی دادستانی مورد بررسی قرار گیرد، ۱۸ مورد که متهمان آن نیروهای خارجی استند باید به وزارت خارجه راجع گردد تا در تفاهم با فرماندهی ناتو پیگیری شود و یک مورد که دوسیه آن از سوی دادستانی تکمیل گردیده و به دادگاه عالی سپرده شده، تحت اجراءات قضایی قرار گیرد.»

آقای خلوتگر افزوده که از مجموع ۶۷۹ پرونده‌ی خشونت علیه خبرنگاران، شامل ۶۰ مورد قتل، ۴۶ مورد جراحت، ۲۲۲ مورد لت و کوب، ۸۴ مورد بازداشت، ۲۹مورد اختطاف، ۲۳۸ مورد تهدید و خشونت لفظی می‌باشد.

از آن جمله، ۲۵۲ مورد به‌دلیل مرور زمان، عدم دسترسی به عوامل خشونت یا صرف نظر از پیگیری آن‌ها، تحت بررسی قرار نگرفته است.

به باور خلوتگر، رییس اجرایی نی، پی‌گیری نشدن قضایایی خشونت علیه خبرنگاران، یکی از عوامل افزایش گراف خشونت علیه خبرنگاران می‌باشد.

او از نهادهای مسئول خواسته که در زمان تعیین شده این پرونده‌ها را بررسی کرده و عاملان آن را تحت پیگرد قرار دهند.

نخستین مجتمع تعلیمی و تحصیلی خصوصی برای دختران افتتاح شد

اطلاعات روز: نخستین مجتمع تعلیمی و تحصیلی خصوصی برای دختران به‌نام «مورا» توسط خانم رولا غنی بانوی اول کشور و وزیران تحصیلات عالی و معارف در شهر کابل افتتاح شد.
مجتمع «مورا» با گنجایش ۹۶۰ دانشجو دارای شفاخانه، کتاب‌خانه مجهز، لابراتوارها و سایر ملحقات ضروری می‌باشد که در ساحه‌ی ۲۰ جریب زمین در شهر کابل ساخته شده است.

به‌گفته‌ی مسئولان، در این مجتمع تمام خدمات تعلیمی و تحصیلی از طرف زنان برای زنان عرضه می‌شود. این مجتمع با داشتن چهار بخش؛ کودکان، لیسه، انیستیتوت علوم صحی و دانشگاه در بخش‌های طب معالجوی، اداره و تجارت، کمیوترساینس، تعلیم و تربیه، قابلگی عالی، تکنالوژی طبی و چند رشته‌ی دیگر فعالیت خواهد کرد.

در محفل افتتاح این مجتمع که امروز (سه‌شنبه، ۱۱ جوزا) برگزار شده بود، رولا غنی گفت که با توجه به ارزش‌های افغانی و اسلامی و شرایط کنونی کشور، این اقدام برای رفع ضروریات تعلیمی و تحصیلی دختران یک گام ارزنده و مفید بوده و یک دستاورد خوب در عرصه خدمت‌گذاری به خانم‌ها می‌باشد.

بانوی اول کشور از شاناملان این مجتمع خواست تا «خوب بیاموزند و آینده شان را خود رقم زنند.»

فریده مومند، وزیر تحصیلات عالی نیز روی ضرورت ایجاد زمینه‌ها برای آموزش دانش برای دختران و نقش آنان در بیرون‌رفت از مشکلات کنونی کشور صحبت نموده و گفت وزارت تحصیلات عالی اقدامات موفقانه‌یی را در زمینه انجام داده است.

او گفت که افزایش جذب دختران به نهادهای تحصیلی از طریق امتحان کانکور، تطبیق پالیسی منع آزار و اذیت دختران در نهادهای تحصیلی، توجه به خوابگاه‌ها و پروسه‌ی توزیع بورسیه‌ها نشانه‌ی این عملکردها بوده و تلاش‌های این وزارت در این زمینه ادامه دارد. خانم مومند گفت امیدوار است مجتمع تعلیمی و تحصیلی «مورا» در جهت عرضه‌ی خدمات تعلیمی و تحصیلی مطابق معیارهای موجود و با درنظرداشت نیازمندی‌های جامعه‌ی دانش‌محور و پژوهش‌محور به‌صورت موفقانه بدرخشد.

اسدالله حنیف بلخی، وزیر معارف نیز در این برنامه ایجاد مجتمع «مورا» را یک گام ارزنده خوانده و از برنامه‌ی وزارت معارف برای ایجاد مکاتب نمونه و معیاری در کشور خبر دارد.



چرا ملار سول از ایالات متحده و افغانستان کمک مالی دریافت می کند؟

- دیپلمات/ کیسی گرت جانسون
- ترجمه: معصومه عرفانی



آهن پاره‌های باقی‌مانده از تاکسی رهبر طالبان ملا اختر منصور در جنوب پاکستان، تازه شروع به سرد شدن کرده بود که «وال استریت جورنال» روز یکشنبه در مقاله‌ای افشا کرد سازمان‌های اطلاعاتی افغانستان و ایالات متحده، حمایت‌های مالی و نظامی برای یکی از جناح‌های «جدایی‌طلب» طالبان در جنوب افغانستان، به رهبری یکی از فرماندهان کهنه کار شورشیان به نام ملا محمد رسول، فراهم می‌کند.

در این مقاله آمده است که مقامات افغانستان و ایالات متحده مدعی هستند احتمال زیادی وجود دارد که این جناح در مذاکرات صلح شرکت کند. اما این اظهارات هیچ بنیادی ندارند و خود رسول نیز آن‌ها را رد کرده است. او در مصاحبه‌ی در ماه فیبروری نشان داد که بی‌صبرانه منتظر است منصور را خارج از صحنه ببیند و به همان اندازه مشتاق است که حامی طولانی‌مدت خارجی‌اش، ایران، که سرویس‌های اطلاعاتی آن بیش از هر زمان دیگری پس از سال ۲۰۰۱ در افغانستان فعال هستند، نقش بیشتری در مذاکرات صلح آینده داشته باشند. از اواخر سال گذشته، جناح او با دولت اسلامی در ارتباط دانسته شده است. رسول این اتهام را رد می‌کند، با این حال، در نواری ثبت‌شده شنیده می‌شود که او از «برادران» خود در داعش حمایت می‌کند، تا زمانی که آن‌ها خارج از افغانستان باشند.

ملا رسول چه کسی است؟ او چه می‌خواهد؟ و ایالات متحده به دنبال چه چیزی است؟

یک شورشی با گرایش‌های شخصی

بر اساس فهرست تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد -که از هفته‌ی گذشته نام رسول نیز در آن قرار گرفته است- او در اواسط ۵۰ سالگی‌اش قرار دارد و در اصل از منطقه‌ی اسپین بولدک است، منطقه‌ی مرزی بی‌آب‌و‌علف ولی استراتژیک که شهر قندهار را به کوئته و کراچی در پاکستان متصل می‌کند. آن‌چه این لیست نشان نمی‌دهد این است که گفته می‌شود رسول در کودکی در مدرسه‌ی مذهبی قندهار توسط رهبر سابق طالبان ملا عمر آموزش دیده است. این رابطه‌ی قدیمی با مردی که در آینده تبدیل به امیرالمومنین شد، احتمالاً ارتقای رسول در سلسله‌مراتب رژیم طالبان در دهه‌ی ۱۹۹۰ تسهیل کرده و رابطه‌ی ویژه‌ی میان او و ملا عمر به وجود آورده بود. یکی از کسانی که رسول را در طول این زمان می‌شناخت به من گفت: «حتی ملا عمر نیز نمی‌توانست به ملا رسول فرمان بدهد». با توجه به گذشته‌ی رسول، ارتقای منصور به مقام رهبری طالبان پس از مرگ ملا عمر را برایش بیشتر ناخوشایند کرده بود. زمانی که او در ماه نوامبر گذشته منصور را «قاتل اصلی ملا عمر» خواند، این واقعیت را به روشنی بیان کرد.

زمانی که طالبان در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ در جنوب افغانستان به قدرت رسیدند، رسول به‌عنوان والی نیمروز منصوب شد. این ولایت حتی از شهر زادگاهش اسپین بولدک نیز دورافتاده‌تر بود. با این حال، نیمروز نیز مانند اسپین بولدک یکی از چند گذرگاه مرزی بین‌المللی افغانستان است -قطعه‌ی اتصال به ایران. به گفته‌ی مردم این منطقه، او در زمان تصدی خود تفسیر سختگیرانه‌ی از قانون شریعت را اعمال می‌کرده است. «او زمانی که مجازات قطع دست بود فرمان اعدام می‌داد». او برای تحکیم قدرت خود با دختر یکی از خانواده‌های محلی ازدواج کرده و این ولایت را با حداقل نظارت از سوی رهبری طالبان در قندهار اداره می‌کرد. در سراسر دهه‌ی ۱۹۹۰، هیچ کشوری مانند ایران از حضور طالبان در افغانستان وحشت نداشت. به نظر می‌آید که رسول با جابه‌جا کردن مرکز ولایت نیمروز، ۷۵ مایل دورتر از مرز ایران، و محدود ساختن حضور طالبان در مناطق مرزی، این نگرانی‌ها را کاهش داده و اتحاد مادام‌العمری به وجود آورده بود.

در سال ۲۰۰۱، رسول در پی سقوط رژیم طالبان به آن سوی مرز در ایران فرار کرد. اگرچه جنول زمانی روشنی وجود ندارد، اما او زمانی به مقامات افغانستان تحویل داده شده و در کابل زندانی شد. گفته می‌شود که در سال ۲۰۰۷ یا ۲۰۰۸، او به کمک والی نیمروز در آن زمان، آزاد شد. مدت کوتاهی پس از آن، او به جنوب غربی افغانستان بازگشت و به شورش پیوست. در آن‌جا بود که او در ازای دریافت سلاح از ایران و استفاده از سود قاچاق هروئین که از مرز ایران منتقل می‌شود، توافق کرد تا نیروهای طالبان را دور از مرز نگه دارد. از حدود سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، او به‌عنوان والی دولت خودخوانده در ولایت فراه عمل می‌کرد.

در سال ۲۰۱۱، او توسط منصور که آن زمان فرمان نهایی را برای امور روزانه‌ی طالبان صادر می‌کرد، جایگزین شد. دامنه‌ی نفوذ رسول در سال ۲۰۱۱ -فراه، هرات، نیمروز- همچنان تا امروز بدون تغییر باقی مانده است. او فرماندهی جناحی وفادار به خود را در این مناطق به دست دارد، از منافع حاصل از تجارت مواد مخدر که از این دشت‌ها می‌گذرند سود می‌برد، روابط نزدیکی با ایران دارد، و در راه‌اندازی اجماعی موسوم به شورای مشهده، به‌عنوان وزنه‌ی برای ایجاد توازن در برابر شورای کوئته، مهره‌ی تاثیرگذار بوده است. با این حال، دسترسی او محدود باقی مانده و نیروهایش عمدتاً منحصر به جنوب غربی افغانستان است و حتی به ولایت همسایه‌ی هلمند نیز نفوذ اندکی دارد.

انشعاب‌های بی‌وقته

در لیست تحریم‌های سازمان ملل ذکر شده است که رسول از قبیله‌ی نورزی است. درحالی‌که ملا عمر از قبیله‌ی نسبتاً کوچک‌تر و کمتر قدرتمند بود، و بنابراین تا آن‌جا که امکان داشت، سیاستی خنثی در زمینه‌ی قوم‌گرایی اتخاذ کرده بود. وارثان امارت او به سه قبیله از پرجمعیت‌ترین قبایل جنوب، با قلمروهای قابل توجه و سهم گسترده‌ی در اقتصاد مواد مخدر، تعلق دارند. اگرچه هیچ آمار رسمی وجود ندارد، به احتمال زیاد نورزی بزرگ‌ترین قبیله‌ی پشتون در جنوب افغانستان بوده و از زادگاه رسول در اسپین بولدک در قندهار به سمت منطقه‌ی عملیاتی‌اش در فراه و هرات در غرب گسترده است. دیگر قبایل غالب در جنوب افغانستان، اسحاق‌زی و علی‌زی هستند که اولی قبیله‌ی ملا منصور است و دیگری قبیله‌ی یکی از فرماندهان قدیمی طالبان عبدالقیوم ذاکر است.

ایالات متحده همواره با بیش از حد بر قبایل و درگیری‌های قبیله‌ی در افغانستان تاکید کرده و یا تفسیر نادرستی از آن ارائه داده است و تلاش‌های این کشور برای میانجیگری در توافق‌نامه‌های امنیتی در امتداد این خطوط عمدتاً شکست خورده‌اند. در مقابل، طالبان قادر به کاهش یا پوشش‌نهادن بر درگیری‌های قبیله‌ی بوده‌اند که به‌صورت دوره‌ای از سال ۲۰۰۱ در میان صفوف این گروه رخ داده است. این روند می‌تواند با تلاش رهبرانی با حوزه‌ی جغرافیایی و قبایلی بزرگ‌تر برای به‌دست گرفتن کنترل گروه تغییر کند. ما ممکن است در ماه‌ها و سال‌های آینده، با چشم‌اندازی مواجه شویم که طالبان را با شکاف‌هایی حتی عمیق‌تر از امروز ببینیم. علی‌رغم، یا ممکن است به دلیل، احتمال این‌گونه از جناح‌بندی‌ها، مقامات استخباراتی افغانستان در کابل که در ماه فیبروری با آن‌ها گفت‌وگو داشتیم، با من نیز مانند خبرنگاران «وال استریت جورنال» به روشنی صحبت کردند. یکی از مقامات گفت: «ما هر کاری در توان داریم انجام می‌دهیم تا در میان شورش جدایی ایجاد کنیم. این هدف ما است.»

جدایی افکنی، راهی ساده

قابل ذکر است که با خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی

خبرنگار فارغی

هادی دریایی

ما همه کرخیم

از غمی که در زابل بر جان نیمه‌جان افغانستان حواله شد، دیری نمی‌گذرد. هنوز زابل بوی خون تبسم و همراهانش را دارد. هنوز زنجیر اسارت بر پاهای شاهراه در زابل گره‌شده باقی است. تکرار اسارت و گلوبریدن و به زنجیر کشیدن شاهراه زندگی، این بار در قندوز اتفاق افتاده. مثل زابل، بازم طالبان در مسیر مسافرین بی‌گناه می‌ایستند، متوقف‌شان می‌کنند. ۲۲۰ نفر را با خود می‌برند، ۲۰ نفر را سلاخی می‌کنند. اما انگار هیچ اتفاقی نیفتاده. مردم مثل همیشه بی‌تفاوت، به خبرهای داغ رادیوها گوش می‌دهند و تصاویر خون‌آلود بغلان و قندوز را تماشا می‌کنند. اما نه دلی آخ می‌کند و نه چشمی بر این همه درد اشک می‌ریزد.

روزگار افغانستان، روزگار دو نسل حاضر در کشور با جنگ و جنایت به این‌جا رسیده. نسل پدر از آوان بچگی مصروف جنگ و نسل پسر هم شاهد لشکرکشی‌ها و به آتش کشیدن‌ها است. هر دو نسل، آن قدر خون دیده‌اند و باروت تنفس کرده که دیگر برای هیچ کسی، اخبار قتل‌های دسته‌جمعی، تکان‌دهنده نیست. انگار همه قبول کرده‌ایم که زندگی ما همین است و جز این، به وضع بهتری هم نمی‌رسیم. انگار پذیرفته‌ایم که ما اهل تدبیر نیستیم، ما انرژی برای جلوگیری از فجایع انسانی نداریم، ما همین‌ایم و باید یکی پی دیگر در شاهراه‌ها به دست طالبان اسیر و گردن زده شویم. انگار پذیرفته‌ایم که حق حکومت است هر فاجعه را با تقبیح و محکوم کردن لفظی جواب بدهد. انگار نه، ما به‌راستی‌راستی به این باورها رسیده‌ایم. فاصله‌هایی که میان ما در گذشته ایجاد شده، آن قدر درون ما غرور و پوچی پُف کرده که نمی‌توانیم مرهم زخم‌های تازه‌به‌تازه‌ی هم شویم. ما عملاً ثابت کرده‌ایم که درد من به شما و درد شما به من ربطی ندارد. ما بی‌تفاوت و کرخت شده‌ایم!

روزی که خبر مرگ ملا منصور نشر شد، انتظار انتقام‌گیری از سوی طالبان می‌رفت. حکومت افغانستان با تمام وجود به مرگ ملا منصور پرداخت و از هر کوره‌راهی، آن را نشانه‌ی شکست دشمن تلقی کرد. اصلاً یادشان رفت که هلمند لبریز از طالب است، شاهراه‌ها پر از مسافرین بی‌دفاع و طالبان مسلح‌اند، یادشان رفت که طالبان جز جنایت کار دیگری بلد نیستند بکنند. شاید به همین خاطر بیشتر از بیست‌وچهارساعت از عمر اتفاق یک فاجعه‌ی وحشتناک می‌گذرد و حکومت از حد تقبیح خشک‌و‌خالی فراتر نرفته. فاجعه‌ی که در فاصله‌ی میان بغلان و قندوز اتفاق افتاده، هر آن ممکن است در غزنی، هلمند، زابل، ننگرهار، خوست، پکتیا، بدخشان و ارزگان نیز اتفاق بیافتد. وقتی کار لازم برای اتفاق نیفتادنش نمی‌شود و فشاری هم وجود ندارد.

نمی‌دانم رئیس‌جمهور این بار این فاجعه را چه‌گونه تقبیح کرده، شدت این تقبیح طالبان را چه‌قدر لرزانده و چه‌قدر بر زخم‌های تازه‌به‌تازه‌ی افغانستان مرهم گذاشته، اما آن‌چه را به یقین می‌دانم این است که حکومت افغانستان، طالبان را به رهبری طالبان خلاصه کرده است. فکر می‌کند که با کشته‌شدن ملا منصور و ملا عمر، طالبان تقریباً نابود شده‌اند. اما ما دیدیم و می‌بینیم و خود حکومت نیز معترف است که رهبری طالبان را نه خود طالبان که آی‌اس‌آی پاکستان برعهده دارد. پس چطور است که حضور سنگین نیروهای طالبان در هلمند، در غزنی، در زابل، در شاهراه‌ها نادیده گرفته می‌شود؟ چرا باید طالبان همیشه ده‌ها انسان را بکشند و به اسارت ببرند که حکومت وحدت ملی به حضور و قدرت طالبان باور کنند و برای بیرون راندن آن از محل اتفاق فاجعه وارد عمل شود؟

تمام این‌ها نشانه‌های کرختی ماست. حکومت دست به کار نمی‌شود، چون ضرورتی نمی‌بیند. ضرورتی ندارد، چون فشاری حس نمی‌کند. فشاری نیست، چون ما کرخیم. حکومتی که هم نیرو دارد، هم سلاح و تجهیزات دارد، هم حامیان قوی بین‌المللی دارد، چطور در برابر گروه طالبان ناتوان است و نمی‌تواند آن‌ها را نابود کند؟ ممکن بگویید که قرار نیست همه‌ی طالبان نابود شوند و حکومت قصد دارد با آن‌ها مصالحه کند. بلی، شما درست می‌گویید. تا وقتی ما این همه کرخیم، حکومت به نام صلح، تفنگ‌های طالبان را همیشه پر نغمه‌ی دارد. و این ماییم که همیشه قربانی بازی‌بی به نام صلح می‌شویم.

اکثریت ما بر درد زابل چشم بستیم و گلوهای بریده‌ی مسافرین را تماشا کردیم. همان چشم‌بستن‌ها و هم‌صدا نشدن‌ها باعث می‌شود که هرگز رها نشویم. آن‌هایی که بیستم عقرب به در ارگ رفتند، از ما خواستند که هم‌صدا شویم تا رها شویم، اما ما حتا هم‌نگاه هم نشدیم، چون کرخت شده‌ایم. تا این کرختی سنگین در جامعه حکم می‌راند، طالب و همکارانشان در شاهراه‌ها، ما را به رگبار خواهند بست. تا روزی که از کرختی فارغ نشده‌اید، تاسف و تاثیرتان را به رخ کسی نکشید. متاسف بودن و کاری نکردن، جز شیطنت، هیچ چیزی نیست. امیدوارم شیطنت‌ها را کنار بگذاریم! اگر تاسف ره به جایی می‌برد، حکومت وحدت ملی جایزه‌ی نوبل کار را دریافت می‌کرد. اما می‌بینید که تاسف این حکومت از تمام رسانه‌های دنیا نشر می‌شود و خطر هیچ طالبی از سر زندگی در افغانستان کم نمی‌شود.

ما همه کرخت شده‌ایم، شرم‌مان باد!

ایران و هند بازی بزرگ را تغییر می دهند

توافق بندر چابهار پتانسیل تغییر «بازی بزرگ» برای همیشه در افغانستان را دارد

● منبع: دیپلمات/ SIDDHARTHA SRIVASTAVA

● ترجمه: حمید مهدوی

در تامین صلح خواهند بود. این امر دو کشور را که بیوند تمدنی دارند به جدیدترین شرکای استراتژیک در بازی بزرگ تبدیل می کند که منافعشان در صلح و رفاه بلندمدت نهفته خواهد بود. تاثیر اعلام نشده اما اصلی این تعامل بر پاکستان خواهد بود. بیش از ۹۵ درصد مرز زمینی پاکستان با هند، ایران و افغانستان مشترک است. پیمانی به این بزرگی میان کشورهای هم مرز با پاکستان که هدف آن بیرون نگه داشتن پاکستان است، اتهام کلانی به سیاست های پاکستان در قبال همسایگانش و تذکر آشکار انزوای این کشور در منطقه است. اما ضررهای پاکستان از سمبولیک بودن فراتر رفته و ملموس خواهد بود. مزیتی که پاکستان به دلیل جغرافیایش داشت به حداقل رسانده شده و احتمالاً به مرور زمان از بین خواهد رفت.

نخست این که با راهرو تجارتی پیش بینی شده، ایران تمام میوه های اقتصادی را که به پاکستان به عنوان مسیر ترانزیتی طبیعی میان هند، افغانستان و آسیای مرکزی تعلق دارد، می ستاند. از آنجایی که زنجیره تامینات هند از طریق ایران تکمیل می شود، پاکستان که انرژی مواد خام و دیگر مشوق های کلان اقتصادی ندارد، در بازگشت به مرکز صحنه کار دشواری خواهد داشت.

دوم این که پاکستان وسیله ای اعمال فشار بر افغانستان محاط به خشکه را از دست خواهد داد. پس از خروج شوروی ها [از افغانستان]، پاکستان از طریق پراکسی های طالبان توانست بر افغانستان تقریباً کنترل مطلق داشته باشد. با آغاز جنگ ایالات متحده در افغانستان، به دلیل عبور مسیرهای اکملاتی از بندر کراچی، اهرم فشار همچنان در دست پاکستان باقی ماند. در نتیجه امریکا، باوجود دورویی و طفره روی پاکستان، میلیاردها [دالر] به این کشور کمک کرد. این نفوذ بر افغانستان، به دلیل انحصار مسیرهای زمینی به افغانستان، مربوط به گذشته خواهد بود. اتصال، بازیگران جدید هند و ایران را به بازی معرفی می کند. طناب نجات دومی به سوی افغان ها پرتاب می شود. پاکستان هژمونی و برتری را در افغانستان از دست خواهد داد. در درازمدت، این امر می تواند ضربه ای پایداری بر مفکوره ی پاکستان مبنی بر دنبال کردن عمق استراتژیک در افغانستان وارد خواهد کرد.

سرانجام، در مقایسه با بندر چابهار، گزینه ی جانشین راهرو اقتصادی چین و پاکستان غیر متعادل به نظر می رسد. این راهرو مناطق غربی عقب مانده و ناآرام چین، مناطق خودمختار سین کیانگ و تبت، را به بندر گوادر پاکستان در بلوچستان وصل می کند که به همین اندازه ناآرام است. پرسشی که این راهرو با آن مواجه است این است که کی از آن نفع خواهد برد؟ منطق قابل قبول اتصال منابع انرژی و مواد خام به بازارهای کلان و نیازمند به وضوح وجود ندارد. چرا باید از مسیر مناطق ناآرام در هیمالیای نامهربان هزاران کیلومتر راهرو ساخت، در حالی که سین کیانگ و تبت می توانند از طریق جنوب شرق آسیا یا کلکته به بندرهای وصل شوند که به مراتب نزدیک تر است؟ ممکن است پاسخ این باشد که هدف این راهرو اتصال بازار پاکستان به پایگاه تولید در حال ظهور در تبت و سین کیانگ است. از طرف دیگر، بندر گوادر به عنوان پایگاه استراحت نیروهای دریایی چین خدمت می کند، نیروهایی که از خطوط انرژی چین که از آسیای میانه می گذرد، محافظت می کنند. شکی وجود ندارد که پاکستان به قیمتی از اتصال منطقه ای اجتناب کرده است.

هند، ایران و افغانستان باید به خاطر دوربینی در این پیمان تقدیر شوند. با این حال، چالش ها پابرجااند. بدون امنیت در افغانستان، این توافق بی ارزش و پوچ م شود. آینده ی حکومت افغانستان هنوز تامین نیست. از آنجایی که ایالات متحده [از افغانستان] خارج می شود، عقربه ی ساعت زوال افغانستان به گردش خواهد آمد. مزایای نفع اقتصادی مستقیم به افغانستان می تواند به تاخیر بیافتد. سرعت اهمیت فوق العاده دارد، این مسابقه یی با زمان است. توسعه این راهرو و تحریک منفعت های اقتصادی زمانبر خواهد بود. به سرعتی که در نهایی ساختن این پیمان، به زودی پس از برچیده شدن تحریم های سازمان ملل بر ایران، نمایش داده شد بارها و بارها نیاز خواهد بود و اراده ی سیاسی مداوم در استفاده از این فرصت و باز کردن یک فصل جدید و تازه در بازی بزرگ حیاتی خواهد بود.



راه هند به افغانستان از ایران می گذرد. در صورت هرج و مرج داخلی در افغانستان، هند و ایران ملزم به همکاری نزدیک در تامین صلح خواهند بود. این امر دو کشور را که پیوند تمدنی دارند به جدیدترین شرکای استراتژیک در بازی بزرگ تبدیل می کند که منافعشان در صلح و رفاه بلندمدت نهفته خواهد بود. تاثیر اعلام نشده اما اصلی این تعامل بر پاکستان خواهد بود. بیش از ۹۵ درصد مرز زمینی پاکستان با هند، ایران و افغانستان مشترک است. پیمانی به این بزرگی میان کشورهای هم مرز با پاکستان که هدف آن بیرون نگه داشتن پاکستان است، اتهام کلانی به سیاست های پاکستان در قبال همسایگانش و تذکر آشکار انزوای این کشور در منطقه است. اما ضررهای پاکستان از سمبولیک بودن فراتر رفته و ملموس خواهد بود. مزیتی که پاکستان به دلیل جغرافیایش داشت به حداقل رسانده شده و احتمالاً به مرور زمان از بین خواهد رفت.

می کند. منابع تولید شده از معدن، صادرات مواد خام و سپس تولیداتی چون آهن و المونیم می تواند تاثیر تحول آفرینی بر اقتصاد، جامعه و سیاست افغانستان بر جای بگذارد. این پتانسیل، بدون تامین صلح و امنیت، به ویژه در افغانستان، به واقعیت نخواهد پیوست. افغانستان گورستان امپراطوری ها است. بریتانیایی ها و شوروی ها طعم تلخ شکست را چشیده اند، امریکایی ها آخرین کسانی اند که ناکام می مانند. چرا باید هند و ایران موفق شوند؟ پاسخ های در هم تنیده در اقتصاد، اتصال و در نتیجه ی آن ها در امنیت نهفته اند.

آنچه که بریتانیا، شوروی و امریکا انجام دادند، مداخله ی نظامی و اشغال بود که منفعت اقتصادی مستقیم کمتری برای افغانستان داشت. بندر چابهار یک مداخله نیست. این راهرو، فرصت های اقتصادی یی را ایجاد می کند که در گذشته وجود نداشت و برای افغانستان ملموس ترین چشم انداز ساختن یک اقتصاد مدرن را ارائه می دهد. حکومت های گذشته در کابل به دلیل فقدان پایه ی مالیات داخلی تضعیف شده بودند و در نتیجه ی آن به دلیل وابستگی به کمک های خارجی به [حکومت های] دست نشانده تنزل یافته بودند. مالیات جمع آوری شده از معدن و صادرات مواد معدنی می تواند زمینه ی به وجود آمدن یک حکومت مدبر و قوی در کابل را فراهم کند که بر سرتاسر کشور تسلط داشته باشد. ایجاد کار از فعالیت های اقتصادی مدرن جامعه یی را ایجاد خواهد کرد که منافع آن در اقتصاد و صلح باشد. این امر به طور بالقوه مدل پایداری را ارائه می دهد که در سرگذشت های گذشته ی بهره بری ابرقدرت ها در افغانستان وجود نداشت.

در بدترین حالت، اگر باوجود آن افغانستان در درگیری های جناحی و جنگ فرو برود، شبه آنچه که به دنبال خروج شوروی مشاهده شد، با آن هم در مقایسه با گذشته فرصت های بیشتری وجود خواهد داشت. در گذشته، اتحاد شمال به کمک هند در برابر یورش طالبان باریک بینی از قلمرو کشور را در اختیار گرفت که در جریان تهاجم امریکا اساس شکست طالبان از طریق زمین شد. در آینده، هند و ایران با داشتن اتصال زمینی قادر خواهند بود با حمایت جناح های دموکراتیک یا مدرن به مراتب نقش کلانتری ایفا کنند. ثروت های معدنی هزینگی چنین حمایتی را کاهش خواهد داد. این مدل می تواند شبه مدلی باشد که غرب با استفاده از آن شرق میانه ی غنی از نفت را امن و مرفه نگه دارد.

راه هند به افغانستان از ایران می گذرد. در صورت هرج و مرج داخلی در افغانستان، هند و ایران ملزم به همکاری نزدیک

پیمان تاریخی اخیر میان هند و ایران در اعمار بندر چابهار در ایران، پتانسیل تغییر در پویایی «بازی بزرگ» برای همیشه را دارد. این پیمان آغازگر راهرو حمل و نقل و تجارتی یی خواهد بود که هند را از طریق ایران به افغانستان وصل می کند و به طور دراماتیک بازیگران جدیدی را در بازی اضافه می کند، بعد قانع کننده ی اقتصادی می سازد و پتانسیل یک پارادایم جدید امنیتی برای آوردن تغییرات جیوپولیتیکی در منطقه را دار است. اگر این پیمان موفقانه اجرا شود، «بازی بزرگ» در افغانستان برای نسل آینده روشن خواهد بود.

پاداش اقتصادی این پیمان برای تمام شرکت کنندگان بسیار خواهد بود. توسعه ی بندر چابهار و اتصال راهرو حمل و نقل و تجارت، پتانسیل آزاد شدن ثروت های دست نخورده ی انرژی و معدنی ایران، افغانستان و آسیای مرکزی برای صادرات به سمت هند به عنوان یکی از بزرگترین اقتصادهای دنیا که به سرعت در حال رشد است، را دارا است. برای هند، اقتصادی که به سرعت در حال رشد است و نیاز سیری ناپذیر به انرژی و مواد خام دارد، پیمان چابهار به انزوای اقتصادی این کشور از آسیای مرکزی پایان می دهد، دسترسی یی که پاکستان از سال ۱۹۴۷ آن را مانع آن شده است. اتصال هند در درازمدت می تواند به روسیه و اروپا توسعه ییابد که بر انعطاف پذیری اقتصادی قوس هند، ایران و افغانستان می افزاید.

ایران، به عنوان یک تامین کننده ی انرژی، نیازی به معرفی ندارد. آنچه که مهم است این است که ایران نیز دارد به عنوان دروازه یی بین آسیای مرکزی و هند ظهور می کند. افغانستان فقیر از مواد معدنی غنی است. سازمان زمین شناسی ایالات متحده صحت یافته های شوروی سابق را تایید کرده است. افغانستان، علاوه بر المونیم، طلا، نقره، جست، جیوه و لیتیم، احتمالاً ۶۰ میلیون تن مس، ۲۰ میلیارد تن سنگ آهن و ۱۰۴ میلیون تن عناصر کمیابی چون لانتانیم، سریم و نیودیم دارد. صرف ارزش ذخایر زمینی نادر در ولایت هلمند به ۸۹ میلیارد دالر بالغ می شود. نظر به ادعای سازمان زمین شناسی ایالات متحده، ارزش مجموعی ثروت معدنی افغانستان بین ۱ تا ۳ تریلیون دالر است. چنین ذخایر معدنی، به دلیل عدم اتصال به یک اقتصاد کلان، در میان دیگر عوامل، دست نخورده باقی مانده اند که با اتصال به هند، دیگر دست نخورده نخواهد ماند. افغانستان قادر خواهد بود تا موتور رشد اقتصادی مدرن را روشن کند و از کشت خشکاش پافراتر بگذارد. همچنین، ایجاد موفقانه یی یک راهرو، نقش افغانستان به عنوان یک مسیر ترانزیت نفت و گاز طبیعی که از آسیای مرکزی به دریای عربی صادر خواهد شد، برجسته تر

سقوط هلمند «تبلیغات دشمن است»؟

حادثه‌ی قندوز و ضعف تحرک دولت

ستاره‌نویس

حوالی سه یا چهار بامداد روز گذشته، هنگامی که بیش از ۱۸۵ مسافر از ولایت‌های شمالی تخار، قندوز و بدخشان از کابل به سوی خانه‌هایشان می‌رفتند، در منطقه‌ی شینه‌تپه روبرو می‌شوند. ساعاتی بعد از رسانه‌ی شدن این ربایش، پولیس قندوز گفت که از مجموع افرادی که روبرو شده بودند، ۱۵۰ تن آن‌ها آزاد شده، ۱۸ تن در قید طالبان مانده و ۱۰ تن دیگر کشته شده‌اند.

گروه طالبان مسئولیت این حادثه را به عهده گرفته است و با درنظرداشت حضور فراگیر و مشکل ساز طالبان در آن سمت، وقوع این حادثه قابل درک است. حکومت اما، تاکنون از دقت و درایت لازم در برابر این حضور برخوردار نبوده است. ضرورت توجه بیشتر حکومت در برابر وضعیت زمانی بیشتر احساس می‌شود که از حضور گسترده‌ی طالبان در ولایت‌های شمالی غافل نمانیم. طالبان یک سال قبل پس از به رهبری رسیدن ملا منصور قربانی خوش‌بینی مذاکره با طالبان شد و آن گروه با استفاده از این فرصت به جای روی آوردن به مصالحه، به‌طور جدی‌تر به پیشبرد عملیات خود دست زد. سقوط قندوز در سال گذشته معلول این خوش‌بینی و عدم هوشیاری حکومت در زمینه‌ی برخورد با طالبان بود. ماجرا بار دیگر تکرار شده است و این بار نیز با تغییر رهبری در طالبان و به قدرت رسیدن ملا هبت‌الله، حکومت و شورای عالی صلح دچار این پیش‌داوری شده است که می‌تواند طالبان را پای میز مذاکره و مصالحه بکشاند. اما وقوع حادثه‌ی روز گذشته می‌تواند اخطار جدی‌یی باشد حاکی از استمرار خشونت در میان طالبان و نیز ضعف اراده‌ی مبارزاتی در حکومت. ادامه‌ی این وضعیت می‌تواند حوادث بزرگ‌تری را در کشور دامن بزند.

تنور مصالحه‌ی حکومت با حکمتیار در کابل چندان گرم است که بسا قضایای مهم جاری کشور در آن عملاً در حال سوختن است. پاکستان با مهارت و مکارگی تمام برای حکومت وحدت ملی هم دوست است و هم دشمن و حکومت هنوز تشخیص نداده است که کدام‌یک از جنبه‌های رابطه‌ی پاکستان را جدی بگیرد و کدام‌یک را باور نکند. ریخت‌وپاش ارتباط صمیمی و مبتنی بر همکاری‌های متقابل مردم با حکومت در حال افزایش است و همه‌روزه صداهای اعتراض از گوشه‌گوشه‌ی کشور گزارش می‌شود. بخش وسیعی از مردم به‌خاطر یک مسأله‌ی مهم ملی بر حکومت معترض‌اند و بخش دیگر با آمدن حکمتیار مخالفانند و به‌خاطر رواداری بیش از حد حکومت با او، علم اعتراض علیه حکومت را بلند کرده‌اند و با وصف این همه، گروه‌های تروریستی در حال نضج و قوام گرفتن و تشدید حملات‌اند.

نمی‌توان در برابر وضعیت حاضر خاموش و بی‌اعتنا بود. مشکلات در کشور همه‌جانبه به‌نظر می‌رسد. مقامات در غزنی خبر از خراب شدن وضعیت می‌دهند، در هلمند طالبان دست به عملیات زده‌اند و ولایت‌های دیگر همچنان نارام‌اند. اما عنصر اصلی قضیه این است که حکومت در وضعیت خوبی به‌سر نمی‌برد. فرصت‌های فراوان بیهوده خاک شد، اما حکومت هنوز قادر نیست چاره‌ی برای برگزاری انتخابات پارلمانی بسنجد و در کنار این، به‌دهه‌ها فوریت و ضرورت دیگر رسیدگی کند. این نشان‌دهنده‌ی عدم انسجام درونی در حکومت وحدت ملی است و در نتیجه فرصت خوبی برای نمایش قدرت مخالفین مسلح و گروه‌های تروریستی.

ولایت‌های شمالی کشور در شرایط کنونی بیش از هر ولایت دیگر نیازمند مراقبت بیشتراند. دو حزب سیاسی بزرگ آن سمت این روزها برای یکدیگرشان رنگ گردن می‌پندارند و میدان برای استقرار طالبان و گروه‌های تروریستی دیگر فراهم می‌شود. مسئولین حکومتی آن‌سمت در رقابت‌های سیاسی میان خود مصروف‌اند و تروریست‌ها تجربه و تمرین قدرت می‌کنند. نتیجه این می‌شود که ولایت‌های شمالی امروزه با این مسایل ناگوار دچار شوند. حکومت خاموش است. مردم نارام می‌شوند و وضعیت خراب، مسئولیت این فاجعه بر دوش کیست؟ حکومت. اما واقعیت‌ها می‌رساند که حکومت در پیش‌گیری از پخته شدن این وضعیت، خیلی ضعیف عمل می‌کند. و این به‌نفع کشور نیست. نباید با دل‌خوشی‌های کوچک، از واقعیت‌های بزرگ و جاری در کشور غافل شد و وقتی که دید فاجعه رقم زده شده، متوجه آن شد. انتظار می‌رود حکومت وحدت ملی در عوض رویاروی قرار گرفتن با مردم و قربانی مصالحه‌ی یک‌جانبه با طالبان شدن، با وضعیت پیش‌آمده مقابله کند.



قربانی را در نظر بگیرید، من کاملاً سخنان والی را رد می‌کنم. دولت وزیری، سخن‌گوی وزارت دفاع نیز به رسانه‌ها گفته است «لشکرگاه و دیگر مناطق [در هلمند] سقوط نخواهد کرد، اما ما حرکت [رو به گسترش] دشمن را در ولسوالی‌های نهرسراج، گرشک و نادعلی تأیید می‌کنیم. سربازان ما اکنون در آن‌جا هستند و نیروی هوایی هم [حملات] خود را آغاز کرده است.»

درحالی که خبر سقوط ولایت هلمند از سوی مقام‌های رسمی رد شده و تهدیدات دشمن ناچیز خوانده می‌شود، عبدالنواب قریشی، آگاه مسایل نظامی در هلمند به «گندهارا» گفته است در اوایل این ماه زمانی که طالبان مشغول برداشت محصول غیرمجاز کوکنار بودند نیروهای امنیتی افغانستان به آن‌ها حمله نکردند و حالا این نیروها به‌دلیل این غفلت پهای سنگینی را می‌پردازند.

او (قریشی) گفته است، «اصرار ما بر این بود که نیروهای امنیتی افغانستان پایگاه‌های دفاعی خود را ترک کرده و به طالبان که مشغول برداشت کوکنار بودند، حمله کنند. ولی آن‌ها ترجیح دادند تا در سنگرهای خود باقی بمانند، امری که طالبان را برای یک حمله‌ی تمام‌عیار تشویق کرد.» به باور وی تغییر وضعیت با هجوم سریع و تقویت نیرو هنوز هم میسر است.

مقام‌های محلی می‌گویند تعداد نیروهای نظامی که اکنون در هلمند خدمت می‌کنند به ۳۲۰۰۰ نفر می‌رسد، اما این نیروها در سراسر مناطق جنگی و دور افتاده که نزدیک به ۵۸۰۰۰ کیلومتر (منطقه‌ی بزرگ‌تر از کشور سوئیس) می‌شود، پخش شده‌اند.

هلمند ولایتی است که سال‌هاست پایگاه دیرینه هراس افغانان می‌باشد و باشندگان هلمند طی این سال‌ها در آتش نبردهای مخالفان مسلح و نیروهای امنیتی افغان و خارجی‌ها سوخته و می‌سوزند. با آن‌که بارها نیروهای امنیتی افغان در این ولایت عملیات انجام دادند، اما هیچ‌گاهی این ولایت به گونه‌ی کامل از وجود تروریستان پاکسازی نشده و باشندگان هلمند همچنان در سایه‌ی سنگین تهدیدهای این هراس‌افغانان زندگی می‌کنند.

مجلس نمایندگان نیز گفتند که نبردها در ولایت هلمند از سه روز به این‌سو اوج گرفته است. این نمایندگان مدعی‌اند که سربازان پولیس از روزها به این طرف در محاصره‌ی طالبان بودند اما وزارت‌های دفاع ملی و امور داخله در این باره به مردم اطلاعات نادرست داده‌اند.

طلوع نیوز به نقل از هاشم الکوزی، سناتور در مجلس سنا نوشته است: «هلمند با سقوط روبرو است، ۵۸ تن که در یک شب به شهادت می‌رسند، آیا این جای شرم نیست، آیا این برای وزیر دفاع، برای رییس‌جمهور برای رییس اجرائیه و وزیر داخله شرم نیست، آیا برای‌شان بینی‌پریدگی نیست.»

اسماعیل فرمانده امنیه‌ی ولسوالی گرشک هم روز دوشنبه به بی‌بی‌سی فارسی گفته است که در جریان درگیری یک‌شنبه شب نیروهای امنیتی با مخالفان ۶ پولیس کشته شده و ۱۱ نفر دیگر زخم برداشته‌اند.

این آمارها از سوی منابع رسمی درحالی ارائه می‌شود که طالبان نیز با فرستادن خبرنگار به رسانه‌ها مدعی‌اند که افراد آن‌ها در باباجی مرکز لشکرگاه و ولسوالی‌های گرشک، نادعلی، ناوی و سنگین در درگیری‌های تازه دو قرارگاه و ۲۲ پوسه نیروهای امنیتی افغان را گرفته‌اند.

والی هلمند: سقوط هلمند «تبلیغات دشمن است» از سوی دیگر والی هلمند، حیات‌الله حیات سقوط ولایت هلمند را «تبلیغات دشمن» خوانده و اعلام کرده که نیروهای امنیتی و دفاعی مشغول دفاع از این ولایت هستند.

آقای حیات به روز سه‌شنبه با نشر اعلامیه‌ی گفته است نیروهای ضربتی و نیروهای محافظت نظم عامه نیز شب گذشته به لشکرگاه رسیده‌اند.

آقای حیات گفته است که برای بازپس‌گیری مناطق، تدابری قوی روی دست گرفته شده و در بعضی جاها نبرد آغاز شده و در بعضی جاها پلان‌هایی روی دست است که هرچه زودتر بخش‌های از دست رفته به کنترل درآیند.

در واکنش به گفته‌های والی هلمند، محمد نعیم لالی حمیدزی، عضو مجلس نمایندگان گفت: «مرد موی سفید که همراه با اعضای خانواده و سربازانش شهید شده‌اند و این مرد که به درخت آویزان شده است، آیا کسی است که این

در حالی که صدای شلیک هاوان‌های ارتش افغانستان برای غلبه بر جنگ‌جویان طالب چندین روز است که خواب را از چشمان ساکنان یک شهر محاصره شده در جنوب افغانستان روبرو است، یک عضو شورای ولایتی هلمند در گفت‌وگو با «گندهارا» (راديو اروپای آزاد)، از سقوط این شهر به‌دست طالبان هشدار داده و می‌گوید ممکن است این شهر ۱۵۰ هزار نفری به‌زودی به دست طالبان بیافتد.

کریم اتل، رییس شورای ولایت هلمند به تاریخ ۳۰ ماه می، ۱۰ جوزا، به گندهارا گفت «اگر پشتیبانی هوایی و تقویت نیرو صورت نگیرد لشکرگاه و هلمند طی ۴۸ ساعت دیگر سقوط خواهد کرد. اشتباه است اگر جنگ کنونی هلمند را [جنگ] عادی قلمداد کنیم.»

آقای اتل گفته است که نیروهای مستقر در ولایت هلمند حداکثر می‌توانند تا دو روز دیگر مقاومت کنند. او گفت، «دولت مرکزی باید در این زمینه توجه جدی کند، در غیر آن‌صورت هلمند را به‌طور کامل از دست خواهیم داد.»

در طول چند سال گذشته، طالبان به‌تدریج تسلط خود را بر اکثر بخش‌های ۱۱ ولسوالی از ۱۵ ولسوالی ولایت هلمند گسترش داده است. طالبان قبل از اعلام تهاجم بهاری خود شهر لشکرگاه را به صورت بالقوه تحت فشار قرار داد.

آمارهای ضدونقیض دفتر مطبوعاتی والی هلمند به روز سه‌شنبه با نشر اعلامیه‌ی گفته است که در ۴۸ ساعت گذشته در جریان عملیات نیروهای امنیتی افغان در ولسوالی‌های گرشک و نادعلی در مناطق کوه بند، شاخ پوپلزی، مالگیر، آب‌پاشک و شاول ۸۵ تن از مخالفان دولت به‌شمول چندین فرمانده آنان کشته و ۶۵ تن دیگرشان زخمی شده‌اند.

در این درگیری‌ها به نیروهای امنیتی افغان نیز تلفات وارد شده است. یک منبع پولیس هلمند که نتوانسته نامی از او برده شود به «گندهارا» گفته است، میزان تلفات در بسیاری از ولسوالی‌های ولایت هلمند به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته و در روزهای اخیر، جنگ به چندین منطقه‌ی دور افتاده نیز گسترش یافته است.

در همین حال به روز سه‌شنبه نمایندگان ولایت هلمند در

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	نشن ماهه	۲۰۰۰ افغانی	نشن ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

jawad.najee@gmail.com

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: جواد ناجی

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲



تقریباً سه ساعت در قید طالبان قندوز بودیم!

دقیقاً يك بجه شب بود که با صدای هیبت ناکي از خواب پریدم. چشمانم را باز کردم دیدم گروهی از مردان ابلق پوش با پوزهای بسته بالای سر مان ایستاده اند و فریاد می کشند که بده موبایل را و بوجی در دستشان است. تعدادی از آن ها با درپور موتر درگیراند و بر سروصورت بیچاره درپور با تفنگ های خویش می کوبند تا پابینش کنند و درپور هم از جای خود تکان نمی خورد دستش را شکستند و در کف دست بیچاره با مرمی زدند ظالم ها. تیکه و زخمی اش ساختند. مرد موسفید چنان داد میزد که دل را از دل خانه بیرون می کرد. ولی هنوز لت و کوبش می کردند و یکی پای خود را مانده بود در گلویش.

تا بلاخره موسفید را چند نفره انداختنش برون و یکی شان نشکست جاي درپور، موتر را حرکت داد به مسیر نا معلوم چنان میراند که شیشه های موتر در دیوار و درخت شکسته می شد و آورد در يك پس کوچه دور از سرک، تعداد دیگرش چیخ می زدند سر مسافرین موتر که هله زود شو موبایل را در بوجی بیانداز. خلاصه وضعیت به حدی وحشتناک بود که گویا خواب می دیدم و ما همه گریه می کردیم و می لرزیدیم. در آن لحظه فکر کردم زندگی تا همین جا بود. اگر بیکم را می پالیدند پر از اسناد و مدارک وظیفه ام بود. ممکن نجات نمی یافتم. يك نفر را چند چند بار تلاشی می کردند، از يك تا تقریباً چهار بجه ادامه پیدا کرد. يك پسر جوان دیگر که در اردو بود نیز پابین نمی شد او را نیز با لت و کوب چند نفره اندختن برون و دستانش را پشت سر بستند.

تعداد زیادی از مسافرین موتر مارا با خود بردند به گروگان که در آن جمله برادر من نیز بود و من از ترس به پایهای شان افتیده بودم و زاری و تزرع می کردم و از جمله یکی شان مهربان بود گفت شما خواهراهای ما هستید ما با شما کاری نداریم شما ترسید موتر را خاموش کردند و گروگان ها را با خود گرفته رفتند. بعد از رفتن ایشان مسافرین باقی مانده یکی پی دیگری از ترس که مبادا پس بیایند و یا جنگ صورت بگیرد رفتند من و خواهرم ماندیم و موتر داد می زدیم گریه می کردیم تا اینکه روشنی سحر تابید و ساعت تقریباً شش بجه شد. يك کسی آمد به ما روحیه داد که خیر گریه نکنید اونا را دوباره رهای شان میکنند. ما را آورد سرک عمومی مردم محل همه جمع شده بودند هیچ کس نمی دانست که مسافرین را کجا بردند. تا ساعت هفت بجه معجزه شد و خدا در دل شان رحم انداخت برادر را دوباره رها کردند و رهنمایش کردند طرف ما و برش گفتند از خاطر سیاسرهایت رهایت می کنیم مستقیم برو آن ها را گرفته محل را ترک کو. برادر آمد همه حیران شدند. که چطو تنها تو را رها کردند و ما هم موتر خورد گرفتیم و حرکت کردیم. دوباره طرف بدخشان.

نمی دانم بقیه را که با خود برده بودند چه شدند. از يك بجه تا هفت بجه در آن محل اثری از دولت دیده نشد.

به این می گویند دولت که با موتر ما سه و یا چهار موتر را استاد کردند و ساعت ها مسافرین انتظار ماندند و تعدادی را با خود بردند دولت بی غم در خواب خرگوش. وقتی به این دولت داری فکر می کنم سراپا چالش است و مردم بیچاره در هیچ جاي در امن نیستند. خلاصه از کدامین مشکل دولت بنالیم وضعیت را که ما تجربه کردیم بار اول نیست، این وضعیت را تعداد زیادی از هموطنانم نیز تجربه کرده اند.

باز هم خدا را شکر که بدون آسیب و یا ضرری نجات یافتیم. خداوند بالای مسافرین که با خود برده بودند رحم کند و ایشان را نیز رها کند. هنوز جلو اشک هایم را گرفته نمی توانم این قصه را با اشک نوشتیم امید به گوش مسولین برسد تا باشد راه حل برای عبور از این مشکل پیدا کنند.



Asad Buda

دادخواهی برای راهها و جنازهها

قصر، قلمرو حاکمان است. راهها و خیابانها، فضای عمومی تملکناپذیر و محل رفت و آمد مردمان. بدترین وضعیت این است که حق عبور و مرور در خیابان و راهها از مردم سلب شود. ما دقیقاً در چنین وضعیتی قرار داریم. ارگ، با کانتینر راه مردم را می بندد، خرده ارگها با دیوارهای بتونی و سیم های خار دار و «برادران ناراضی» و «مخالفان سیاسی» با راه گیری و کشتن و گروگان گیری و شکنجه راهها را بسته اند.

جنازه یا تن کشته شده، مرز مرگ و زندگی نیست، شکاف قدرت و قانون و مردم و حکومت نیز هست. تناقض یا ناهمخوانی درونی حاکمیت، که در فلسفه ی سیاسی، «آنتاگونیسم» یاد می شود، بر گرفته شده از نام آنتیگونه، دخترک شورش و معترضی است که از حق جنازه در برابر کرئون، حاکم ستمگر شهر تبس، به دفاع برخاست. اکنون، آنتاگونیسم، عمیق ترین مفهوم فلسفی در نقد تصمیم حاکم/ نظام حاکمیت است. این نوع مواجهه با قدرت کر و ناشنوا، یک مواجهه ی هوشمندانه است. جنازه ی کشته شده، حاوی و حامل بالاترین بار سیاسی است؛ نقد عینی و انضمامی قدرتهای زورگو و یا تبل و غیر مسئول. ترس و کابوسی بزرگ تر از آن برای حاکمیت نیست که جنازه ها سوار بر دوش مردم، به سوی آن ها حمله ور شوند.

انقلاب تبسم، مصداق عینی یک حرکت اجتماعی آنتیگون وار بود. مردم، «آنتیگونه» شدند و در دفاع از جنازه ی تبسم سر بریده و کشته گان راه، از حصار ارگ بالا رفتند. با حکومتی که به سخن مردم گوش نمی دهد، باید به زبان جنازه و بردوش کشیدن تن کشته شدگان راهها و خیابانها و فضاهای عمومی، سخن گفت. اگر کشته شدن آن ها برای حکومت مهم نباشد، کشته شدن هیچ کس مهم نخواهد بود. راه، شکاف درونی قدرت دشت است و جنازه ها نشان دهنده ی شکاف درونی قدرت شهر. قدرت شهر و دشت، هر دو مکمل هم اند. بدون همکاری قدرت شهر، قدرت دشتی نخواهد بود. از حق راهها و جنازه ها و خیابانها، این فضاها وجودهای مرزی، باید دادخواهی کرد. دفن خاموش و بی سر و صدای کشته شدگان، دفن عدالت و انسانیت نیز است.

نتیجه ی یک تحقیق:

۴۶ میلیون برده ی مدرن در جهان

اطلاعات روز: یک تحقیق تازه نشان می دهد که نزدیک به ۴۶ میلیون نفر در سراسر جهان به اشکال مختلف در بردگی مدرن به سر می برند. از نظر تعداد، بیشترین این به اصطلاح برده های مدرن (بیش از ۱۸ میلیون) در هندوستان هستند، اما به تناسب نفوس کره ی شمالی در صدر فهرست قرار دارد.

به نقل از دویچه وله، بنیاد «واک فری» (WALK FREE) که در استرالیا مستقر است، روز سه شنبه با نشر نتایج تحقیقات خود گفت که نزدیک به ۴۶ میلیون نفر در جهان متحمل کار اجباری، تن فروشی، اسارت کاری به خاطر قرضداری و دیگر انواع برده داری مدرن می شوند.

شاخص برده داری جهانی در سال ۲۰۱۶ دریافت شده است که تعداد «برده های مدرن» بیشتر از آن است که پیش از این تصور می شد و دو سوم آن ها در آسیا زندگی می کنند.

برده داری مدرن یک اصطلاح عام است که شامل قاچاق انسان، کار اجباری، اسارت کاری به دلیل قرضداری، قاچاق انسان برای تن فروشی، ازدواج اجباری و دیگر انواع استثمار انسان می شود.

براساس این گزارش، هند با داشتن ۱۸،۳۵ میلیون «برده ی مدرن» در صدر جدول قرار دارد. در چین ۳،۳۹ میلیون، در پاکستان ۲،۱۳ میلیون، در بنگله دیش ۱،۵۳ میلیون، در ازبیکستان ۱،۲۳ میلیون و در افغانستان ۳۶۷ هزار و ۶۰۰ نفر مجبور به تحمل «بردگی مدرن» می شوند.

به تناسب جمعیت، کره ی شمالی در جایگا اول قرار دارد که ۴،۳۷ درصد از جمعیت ۲۵ میلیونی اش در بردگی مدرن به سر می برند. براساس یافته های این گزارش، دولت کره ی

شمالی هیچ کاری برای مبارزه با برده داری انجام نداده است.

دومین کشوری که به تناسب جمعیت اش بیشترین برده ی مدرن را دارد، ازبیکستان است. در گزارش آمده است که ۳،۹۷ درصد از جمعیت این کشور تحت شرایط برده داری مدرن زندگی می کنند. اکثر این شهروندان ازبیکستان مجبور به کار اجباری در بخش تولید پنبه می شوند.

در این تحقیق مشخص شده است که برده داری مدرن در ۱۶۷ کشور جهان شایع است.

اروپا کمترین برده داری مدرن را دارد، اما براساس یافته های این بنیاد، این قاره نیز منبع و مقصد کار اجباری و بهره کشی جنسی است. این گزارش هشدار داده است که فرار مردم از جنگ و فقر به اروپا می تواند موارد بردگی مدرن را در این قاره افزایش دهد.

ارقام ارائه شده در این گزارش در تناقض با آمار ارائه شده از سوی سازمان بین المللی کار قرار دارد که می گوید ۲۱ میلیون انسان در سراسر جهان مجبور به کار اجباری می شوند. اما آمار سازمان بین المللی کار همه ی بخش هایی را که این بنیاد زیر عنوان «برده داری مدرن» تعریف کرده است شامل نمی شود.

برده داری مدرن به معنای این است که یک فرد مجبور به انجام کاری می شود و نمی تواند آن را به دلیل تهدید، خشونت، اجبار، سوءاستفاده از قدرت و یا نیرنگ و فریب ترک کند.

بنیاد مذکور از تمام دولت ها خواسته است که برای جلوگیری از برده داری کار بیشتری را انجام دهند و از بخش های کاری خواسته است از عاری بودن زنجیره ی کاری شان از برده داری اطمینان حاصل کنند.

دست کم ۱۷ نفر در انفجار انبار تسلیحاتی بزرگ

هند کشته شدند

شاهدان عینی گفته اند مدت کوتاهی پس از این آتش سوزی صدای چندین انفجار را از این منطقه ی نظامی شنیده اند.

رسانه های محلی از انتقال بیش از یک هزار نفر از اهالی روستاهای اطراف این انبار به مناطق امن خبر داده اند. دلیل این آتش سوزی و انفجار هنوز روشن نیست.

اطلاعات روز: آتش سوزی و انفجار در بزرگترین انبار مهمات نظامی و تسلیحاتی هند جان دست کم ۱۷ نفر را گرفت.

بر اساس گزارش خبرگزاری آلمان، دوشنبه شب یک آتش سوزی در انبار مرکزی مهمات نظامی در پولگانئون واقع در ایالت ماهاراشترا هند رخ داد.

مقام های کره ی جنوبی: آزمایش جدید موشکی

کره ی شمالی ناکام ماند

اطلاعات روز: مقام های نظامی کره ی جنوبی می گویند که تازه ترین تلاش کره ی شمالی برای پرتاب یک موشک بالستیک از ساحل شرقی این کشور شکست خورده است.

به نقل از بی بی سی، معلوم نیست که این بار چه نوع موشکی مورد آزمایش بوده، اما سه پرتاب دیگر موشک میان برد «موسودان» در ماه اپریل هم ناکام مانده بود.

سازمان ملل طی قطعنامه یی، کره ی شمالی را از هرگونه فناوری موشک های بالستیک محروم کرده است.

در پی چهارمین آزمایش اتمی پیونگ یانگ در ماه جنوری و آزمایش های مکرر موشکی تنش ها در منطقه بالا گرفته است. رییس ستاد مشترک ارتش کره ی جنوبی گفته است که آزمایش تازه در ساعت ۰۵:۲۰ به وقت محلی در ساحل شرقی در نزدیکی شهر ونسون انجام شد.

کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل شلاق زدن های اخیر در ایران را محکوم کرد

اطلاعات روز: کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد روز سه شنبه با انتشار بیانیه یی، شلاق زدن حدود ۳۵ پسر و دختر جوان که هفته ی گذشته به جرم شرکت در یک مهمانی مختلط در شهر قزوین ایران بازداشت شده و شلاق خوردند، را به عنوان اقدامی «انزجار برانگیز» محکوم کرده است.

به گزارش رسانه های دولتی ایران، این دانشجویان روز ششم جوزا بازداشت شده، مورد بازجویی قرار گرفته و به ۹۹ ضربه ی شلاق محکوم شدند.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در بیانیه یی خود تأکید کرده است که طبق موازین بین المللی حقوق بشر، شلاق زدن ممنوع است.

به نقل از رادیو فردا، اسماعیل صادقی نیارکی، دادستان عمومی و انقلاب قزوین، هفته ی گذشته گفت که بازداشت شدگان برای جشن فارغ التحصیلی در یکی از ویلاهای اطراف قزوین گردآمده و به صورت مختلط به «رقص و پایکوبی» پرداختند.

این مقام قضایی، بازداشت شدگان را به «هنجارشکنی» متهم کرده و گفته بود دادگاه با تشکیل یک جلسه فوق العاده به پرونده آن ها رسیدگی کرده و هر یک را به ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم ساخته که حکم صادره نیز همان روز دربارہ ی آن ها به اجرا درآمده است.

کمیساریای عالی حقوق بشر در بخشی از بیانیه خود گفته است: «به کارگیری این روش مجازات بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز که می تواند مصداق شکنجه تلقی شود از سوی نهادهای مسئول در ایران مطلقاً نامتناسب و شنیع است.»

این نهاد در بیانیه یی خود تأکید می کند که صدور حکم و اجرای مجازات شلاق در ایران موردی و اتفاقی نیست و یادآوری شده است که چندی پیش نیز ۱۷ نفر از کارگران یک معدن طلا در استان/ ولایت آذربایجان غربی که در اعتراض به اخراج ۳۵۰ کارگر این معدن شرکت کرده بودند، بازداشت شده و شلاق خوردند.

اشاره ی کمیساریای عالی حقوق بشر سازان ملل به گزارش خبرگزاری ایلنا در هفته ی گذشته است که به نقل از وحید یاری، وکیل مدافع این کارگران، خبر داده بود که موکلانش متحمل مجازات شلاق بین ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شدند.

اتهام این کارگران، «ممانعت و بازداشتن مردم از انجام کسب و کار با ایجاد هیاهو و جنجال»، «توهین به نگهبان شرکت»، «تخریب لباس و توقیف غیرقانونی نگهبان» و «تخریب عمدی تابلوی شرکت» در ماه جدی سال ۹۳ بوده است. کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل افزوده است که در مورد دیگری در ماه اردیبهشت، زنی که به داشتن روابط جنسی خارج از حیطه ازدواج متهم شده بود، در راه ملاه عام شلاق زدند.

مرگ ۸۸۰ پناهجوی طی یک هفته در دریای مدیترانه

اطلاعات روز: طی هفته ی گذشته دست کم ۸۸۰ پناهجو در آب های دریای مدیترانه جان باختند.

به نقل از یورو نیوز، پولیس ایتالیا روز سه شنبه ویدئویی را منتشر کرد که بازداشت ۱۶ مظنون به قاچاق بیش از ۸۰۰ مهاجر را به این کشور نشان می دهد.

گارد ساحلی ایتالیا تنها در روز جمعه بیش از هزار و ۹۰۰ سرنشین قایق های فرسوده ی ماهیگیری را طی ۱۶ عملیات در دریای مدیترانه نجات داده است.

به گفته ی ویلیام اسپیندلر، سخن گوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، از آغاز سال جاری میلادی ۲ هزار و ۵۱۰ تن از مهاجرانی که تلاش می کردند با عبور از دریا خود را به اروپا برسانند، جان خود را از دست داده اند.

سازمان بین المللی مهاجرت نیز برآورد کرده است که طی پنج ماه گذشته، ۲۰۴ هزار و ۳۱۱ پناهجو خود را به ایتالیا، یونان، قبرس و اسپانیا رسانده اند.

پرز:

به جذب پوگبا علاقه مند هستیم

به شدت هیجان زده می‌کند. زمانی که بند فسخ قرارداد وجود ندارد کار برای خرید یک بازیکن دشوارتر می‌شود. اگر او در بازار موجود باشد، ما برای خریدش اقدام می‌کنیم اما پیش از آن باید با باشگاه به توافق برسیم. پرز همچنین در مورد احتمال خرید دخیا گفت: من در این مورد تصمیم گیرنده نیستم اما می‌دانم که کنترل کردن ۲ بازیکن فوق‌العاده در یک پست بسیار دشوار است.

رئیس باشگاه رئال مادرید به طور رسمی از علاقه این باشگاه برای خرید ستاره یوونتوس خبر داد فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه رئال مادرید، در مصاحبه‌ی تاکید کرد در صورتی که پل پوگبا، ستاره یوونتوس، در بازار تابستانی موجود باشد، برای خرید او اقدام خواهد کرد. رئیس باشگاه رئال گفت: پوگبا بازیکن فوق‌العاده‌ی است اما ما در خط میانی ۶ بازیکن در اختیار داریم. با این حال او مرا

آغاز محاکمه مالیاتی مسی در بارسلونا

مسی باید ۴ روز دیگر کار خودش را با پیراهن تیم ملی ارجنتاین در رقابت‌های کوبا آمریکا آغاز کند و این مساله نمی‌تواند خبر خوبی برای هواداران این تیم باشد. فرارهای مالیاتی مسی و پدرش بیش از ۴ میلیون یورو ارزش گذاری شده و انتظار می‌رود تا طی روزهای آتی ابعاد جدیدتری از این مسئله روشن شود.

فوق ستاره بارسلونا امیدوار است تا یک بار برای همیشه حاشیه‌هایش در این تیم پایان یابد. محاکمه لیونل مسی و پدرش به علت تخلف و فرار مالیاتی در ۳ مورد بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ دیروز با بازجویی انفرادی از لیونل مسی در شهر بارسلونا آغاز شد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که

بلیند:

مشتاق کار کردن با مورینیو هستم

خیر. من تنها می‌توانم تمام تلاش خود را به عنوان بازیکن انجام دهم. مورینیو دستاوردهای بزرگی به عنوان مربی داشته و من مشتاق کار کردن با او هستم. شاید به بزرگی په په نباشم اما یونایتد در لیگ برتر کم‌ترین گول را دریافت کرده و بیش‌ترین گلین شیت را نیز از خود ثبت کرده است. گفته می‌شود که مورینیو اعتقادی به بلیند به عنوان مدافع میانی ندارد و می‌خواهد گزینه‌های دیگری را برای این پست جذب کند.

مدافع هلندی منچستریونایتد می‌گوید به دنبال ادامه حضورش در این باشگاه خواهد بود. علی‌رغم پیش‌بینی‌هایی که درباره خروج احتمالی دیلی بلیند، مدافع هلندی منچستریونایتد، از این تیم می‌شود اما بلیند می‌گوید به دنبال کار کردن با ژوزه مورینیو خواهد بود. او گفت: به دنبال کار کردن زیر نظر مورینیو هستم. باید منتظر بمانم و ببینم آیا چیزی در آینده برایم تغییر می‌کند یا

دلیل خط خوردن نام رویس

از لیست نهایی آلمان

تمرینات تمامی تلاش خود را انجام دادند. این تصمیمی بود که ما باید در نهایت اتخاذ می‌کردیم. یواخیم لوی در حالی خبر از مصدومیت و مشکل فیزیکی رویس می‌دهد که طی روزهای گذشته خبری در این مورد وجود نداشت. ستاره دورتموند در آخرین مصاحبه خود نیز اعلام کرده بود که از آمادگی لازم برخوردار است و امید دارد تا جزء ۱۱ نفر اصلی ترکیب آلمان در یورو باشد.

هافبک تاثیرگذار دورتموند در آخرین لحظات یورو ۲۰۱۶ را از دست داد. مارکو رویس، هافبک دورتموند و تیم ملی آلمان، در اتفاقی شوک‌آور از لیست نهایی این تیم برای رقابت‌های یورو ۲۰۱۶ خط خورد. یواخیم لوی، سرمربی تیم ملی آلمان، در این مورد گفت: رویس از لحاظ فیزیکی مشکل دارد. این تصمیم تلخی برای ما و او خواهد بود. ۴ بازیکنی که نام‌شان خط خورده تشکر می‌کنم چرا که در

هارت:

می‌توانیم همه را شگفت‌زده کنیم

جو هارت، دروازه‌بان تیم ملی انگلیس معتقد است که سه شیرها می‌توانند همه را در یورو شگفت‌زده کنند. شاگردان روی هاجسون عملکرد بسیار خوبی در مقدماتی یورو داشتند و با پیروز در تمامی دیدارها، به عنوان بهترین تیم به رقابت‌ها صعود کردند. با حضور بازیکنانی نظیر دله آلی، جیمی واردی و اریک دایر که فصل بسیار خوبی را در لیگ برتر سپری کردند، هارت عنوان کرد که آن‌ها می‌توانند همه را شگفت‌زده کنند. او گفت: به نظرم مردم به عنوان یک تیم از ما شناختی ندارند. آن‌ها بازیکنان را جزء به جزء می‌شناسند ولی از پتانسیل تیمی که برای اولین بار در کنار هم

مقابل روسیه بازی خواهد کرد خبر ندارند. ما فرصت داریم که ۲۳ بازیکن آماده را به یورو ببریم. انگلیس در دو دوره‌ی قبلی رقابت‌ها در یک چهارم نهایی و در ضربات پنالتی حذف شد ولی هارت عنوان کرد که آماده است تیمش را این بار نجات دهد. او گفت: همیشه این ذهنیت را داشته‌ام که بهترین زمان برای شیرجه زدن چه موقعی است. خیلی وقت‌ها اشتباه پریده‌ام ولی همیشه ایمان داشته‌ام که می‌توانم فکر حریفم را بخوانم. به نظرم گرفتن پنالتی کار ساده‌ی نیست. سعی می‌کنم تا حدی که می‌توانم فشار را بر روی زننده زیاد کنم و کنترل روی خودم را بالا ببرم.

ورزش

خدیرا: آنچلوتی گوتزه را بیرون نمی‌اندازد

سامی خدیرا، هافبک یوونتوس عنوان کرد که شایعات درباره این که آنچلوتی خواهان جدایی گوتزه از بایرن است را قبول ندارد. حضور گوتزه در جمع باواریایی‌ها در حاله از ابهام قرار دارد. نیمکت‌نشینی‌های او در سه فصل حضور گواردیولا باعث شده تا او به درهای خروج باشگاه نزدیک باشد و پیشنهاد لیورپول او را اغوا کرده تا از جمع سرخ‌پوشان بوندس‌لیگا جدا شود. همچنین گفته می‌شود که آنچلوتی نیز اعتقادی به گوتزه ندارد و خواهان جدایی اوست ولی خدیرا چنین اعتقادی ندارد.

او گفت: کارلو از آن دسته مربیانی نیست که بازیکنی را از تیم بیرون بیندازد. در واقع او تیمش را متحد می‌کند. ماریو بازیکن با سن کمش با تجربه است. البته هنوز خیلی چیزها باید یاد بگیرد ولی نمی‌توانم تصور کنم که آنچلوتی او را در تیمش نخواهد. به خاطر دارم که گونزالو هیچ‌کس را نمی‌خواهد از رئال جدا شود ولی آنچلوتی تمام تلاشش را کرد تا او را حفظ کند. او هیچگاه به بازیکنی نگفت که او را نمی‌خواهد. فقط اگر بازیکن شخصا خواهان ادامه همکاری نبود، آنچلوتی از او می‌خواست که تیم را ترک کند.



زلاتان: دوست دارم برای مالکو بازی کنم

زلاتان ابراهیموویچ، مهاجم تیم ملی سوئد عنوان کرد که احتمال بازگشتش به مالکو، تیمی که فوتبالش را از آن‌جا آغاز کرده وجود دارد.

با اتمام قرارداد زلاتان با پاری سن ژرمن، او در حال حاضر بازیکن آزاد محسوب می‌شود. او که این فصل ۵۰ گول به ثمر رسانده، مورد توجه باشگاه‌هایی نظیر منچستریونایتد و لس آنجلس گلکسی قرار دارد. او که برای بازی دوستانه به مقابل اسلونی به سوئد بازگشته بود، پیش از شروع دیدار به احتمال بازگشتش به مالکو دامن زد. او گفت: من عاشق مالکو هستم و دوست دارم برای آن‌ها بازی کنم. از این بابات عذر می‌خواهم ولی برای‌شان بازی خواهم کرد. این کار را انجام می‌دهم. فقط برایم صبر کنید.

ژیرو: دلیل هو شدن خود را درک نمی‌کنم

مهاجم تیم ملی فرانسه نسبت به اعتراضات هواداران این تیم واکنش نشان داد. البویه ژيرو، مهاجم آرسنال و تیم ملی فرانسه، که در دیدار دوشنبه‌شب این تیم مقابل کامرون مورد اعتراض هواداران فرانسه واقع شد، می‌گوید دلیل اعتراضات را درک نمی‌کند. ژيرو گفت: نمی‌دانم این مسائل به چه علت است. با این حال من در دوران حرفه‌ایم اتفاقات دشوار دیگری را نیز پشت سر گذاشته‌ام و این اتفاق نمی‌تواند روی کیفیت من تاثیرگذار باشد. این که برای تیم ملی فرانسه بازی کنید باعث می‌شود تا شما انتظار داشته باشید اگر موقعیتی را خراب کنید، مورد حمایت هواداران واقع شوید. هواداران برای همین مسئله در ورزشگاه حضور دارند. من با تنها ضربه‌ام توانستم گول‌زنی کنم و واقعاً دلیل اعتراض هواداران را درک نمی‌کنم. فرانسه دوشنبه‌شب در دیداری دوستانه با نتیجه ۳-۲ از سد کامرون عبور کرد.

دیپای:

فان‌خال مقصر فصل ضعیف من نیست

مفیس دیپای، مهاجم منچستریونایتد عنوان کرد که لوئیس فان‌خال مقصر فصل ضعیف او در این تیم نیست. آقای گول لیگ هلند در فصل ۱۵-۲۰۱۴، نتوانست انتظارات بالایی که از او بود را برآورده کند و عملکرد ضعیفی داشت. با این حال، او فان‌خال را مقصر این موضوع نمی‌داند. او گفت: مورد انتقاد قرار گرفتن هیچگاه خوب نیست ولی باید با این موضوع کنار آمد. فصل آن‌طور که برنامه‌ریزی

کاستا، شرط اصلی سیمئونه برای ماندن در اتلتیکو

روزنامه دیلی استار مدعی شد که شرط اصلی دیگو سیمئونه برای ماندن در اتلتیکو این است که باشگاه دیگو کاستا را برای فصل آینده به خدمت بگیرد. کاستا به عنوان مهاجم اصلی اتلتیکو در فصل ۱۴-۲۰۱۳ عملکرد بسیار خوبی داشت و موفق شد به همراه این تیم قهرمان لالیگا شود و به فینال چمپیونزلیگ صعود کند. او در همان تابستان راهی چلسی شد

ماروتا:

به جذب آلوس خوشبین هستیم

جوزیه ماروتا، مدیر ارشد یوونتوس عنوان کرد که در مورد جذب دنی آلوس، مدافع بارسلونا خوشبین هستند. به نظر می‌رسد که مدافع برزیلی پس از ۸ سال در آستانه جدایی از نوکمپ قرار دارد. یوونتوس مقصد احتمالی آلوس خواهد بود و جوزیه ماروتا، مدیر ارشد یوونتوس نیز در این مورد ابراز امیدواری کرد.

حراج پله به تمام اقلام فوتبالی‌اش

پله، اسطوره فوتبال برزیل، بیش از ۱۵۰۰ قلم از اجناس فوتبالی یا مربوط به فوتبال خود را به حراج گذاشت. پله تنها بازیکن تاریخ است که تا به حال ۳ بار قهرمان جام جهانی شده و از همین رو، او به عنوان یکی از بزرگ‌ترین‌های تاریخ فوتبال شناخته می‌شود و مدال‌ها و جوایزی از کشورهای مختلف کسب کرده که در نوع خود منحصر به فرد هستند. او که حالا ۷۵ ساله است، از سوی فیفا به عنوان بهترین بازیکن قرن گذشته انتخاب شده بود و در طول ۳ روز در لندن، تمام اقلام فوتبالی ۶ دهه زندگی خود را به

پیگرینی:

شاید مربی‌گری را کنار بگذارم

مانوئل پیگرینی، سرمربی سابق منچسترسیتی، اعلام کرد در صورتی که پیشنهاد مناسبی دریافت نکند، ممکن است مربی‌گری را کنار بگذارد. این مربی شیلیایی در سه فصل حضور در سیتی، یک قهرمانی در لیگ برتر و دو قهرمانی در جام اتحادیه با این تیم به دست آورد و این فصل هم آبی‌ها را به نیمه نهایی چمپیونزلیگ رساند. او که با پایان این فصل، جای خود را به پپ گواردیولا داد، اعلام کرد تنها به پیشنهادی که جالب توجه باشد، پاسخ مثبت می‌دهد. او به گاردین گفت: اگر گزینه خیلی جالبی نداشته باشم، صبر می‌کنم تا



ام ټي ان آسان

نوی سیمکارت ټولو داخلي شبکو ته له یوې بیې او ۱۰۰ ام بی وړیا انټرنټ سره

ام ټي ان آسان سیمکارت وپیری او د ټولو داخلي شبکو شمېرو ته دقیقه یوازې په ۲,۴ افغانۍ اړیکې ونیسی او له دې پرته ۵۰ افغانۍ وړیا کرېډټ او ۱۰۰ ام بی انټرنټ لاس ته راوړی. همدا راز تاسو کولای شئ چې ټولو داخلي شمېرو ته هر لیکلی پیغام یوازې په ۱,۵ افغانۍ واستوی او له هر یو ام بی انټرنټ څخه د ۱ افغانۍ په بدل کې کټه واخلي.

ام ټي ان آسان ته د اوسنۍ پکسې بدلولو لپاره #۷۷۴* یوازې د ۱۵ افغانیو په بدل کې ډایل کړئ.

د ۵۰ افغانیو وړیا کرېډټ معلومولو لپاره #۷۸۹*۱ ډایل کړئ.

د ۱۰۰ ام بی وړیا انټرنټ معلومولو لپاره #۷۸۹*۴ ډایل کړئ.



د لا زیاتو معلوماتو لپاره له ۷۷۹ شمېرې سره اړیکه ونیسی
د سیمکارت لټول اړین دي
www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | MTN AF
Linked MTN Afghanistan | MTN AF

په هرځای کې له تاسو سره

یک جمعه

۲۵ افغانۍ
۱۵۰ دقیقه

برای اشتراک

#۱*۵*۳۳*۲*

را ډایل نمایند

برای لغو اشتراک #۲*۳۳*۵*۲* را ډایل نمایند

چهار جمعه

۹۰ افغانۍ
۵۰۰ دقیقه

برای اشتراک

#۱*۶*۳۳*۲*

را ډایل نمایند

برای لغو اشتراک #۲*۳۳*۶*۲* را ډایل نمایند



جمعه ۳۲ ساعته



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

✓ مدت اعتبار این پیشکش ۳۲ ساعت بوده (از پنج شنبه ساعت ۱۰ شب الی شنبه ساعت ۶ صبح)
✓ این پیشکش از افغان بیسیم به افغان بیسیم قابل استفاده میباشد

۱۵۲